



صحیفه؟ کدام نوشته؟ کدام قرارداد؟ مگر عهد و پیمانی بر ضد ولایت امیرالمؤمنین(ع) امضا شده است؟ مگر توطئه تا اینجا پیش رفته است؟

بعدها شنیدم که پس از مراسم حج پنج نفر در مکه پیمانی بر ضد ولایت امضا کرده اند که اگر محمد(ص) از دنیا رفت یا کشته شد نگذاریم خلافت و جانشینی او در اهل بیتش مستقر شود. آن پنج نفر عبارت بودند از: «ابوبکر، عمر، ابوعبیده جراح، معاذبن جبل و سالم مولی ابی حذیفه». بعد از این اشاره پیامبر به صراحت فرمود: به زودی امامت را بعد از من به عنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند.

آری این سخنان نشان می داد خطری جدی اسلام و مسلمانان را تهدید می کند و توطئه های وحشتناکی در حال عملی شدن حتی در حیات پیامبر(ص) است. سوره حمد و راه علی(ع)

فضای سخنرانی دل ها را ربوده بود و همه مبهوت از سیر کلام پیامبر که هر لحظه وارد مرحله جدیدی می شد، با اشتیاق گوش فرا داده بودند. صدای تلاوت سوره حمد توجه مرا به خود جلب کرد و پیامبر سوره ای را خواند که هر مسلمانی در نمازهای پنجگانه بر زبان جاری می کند. منظور از قرائت این سوره در چنین موقعیتی چیست؟ پاسخ خود را از سخن پیامبر(ص) دریافتیم که بر صراط مستقیم تأکید کرد و فرمود: من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به پیروی آن امر نموده و بعد از من علی و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت اند.

در واقع پیامبر می خواست بگوید: «صراط مستقیم که مردم هر روز در نمازهایشان با خواندن سوره حمد از خدا می خواهند راه ولایت است که از پیامبر(ص) آغاز می شود و به علی(ع) می رسد و تا یازده امام بعد از او ادامه می یابد. همانگونه که «مَعْصُوبِ عَلَیْهِمْ» در سوره حمد دشمنان ولایت و ضالین گمراهان از خط اهل بیت هستند.

آنگاه پیامبر با ضابطه قرار دادن امامان معصوم به معرفی دوستان و دشمنان آنان پرداخت و با استناد به آیات قرآن اوصاف آنها را برشمرد در اوصاف اولیاء و دوستان اهل بیت، آنان را مؤمنینی معرفی کرد که ایمان در قلب هایشان حک شده و شک و تردید در آنان راه ندارد و به غیب ایمان آورده اند و ایمان خود را با ظلم آلوده نمی کنند.

سپس آنان را حزب مؤید از جانب خدا دانست که هرگز با دشمنان خدا دوستی نمی کنند. علامت دیگر آنان را مدح های خداوند درباره شان در قرآن و محبوبیت آنان نزد پروردگار بیان فرمود و اجر کبیر و بهشت دائمی را پاداش آنان اعلام کرد.

آنگاه به توصیف دشمنان اهل بیت پرداخت و آنان را سفیهان گمراهی معرفی کرد که برادران شیاطین هستند. سپس پشیمانی و اعترافشان در قیامت را مطرح کرد و اینکه شعله های آتش در انتظار آنان است.

این جمله نهایی پیامبر برای بسیار جالب بود که به عنوان یک قانون دائمی برای سنجش دوستان و دشمنان اهل بیت اعلام کرد و فرمود: دشمن ما کسی است که خدا او را مذمت و لعنت نموده و دوست ما هر کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بدارد. بقیته الله مهدی است

مراحل سخن در خطابه پیامبر با چینش خاصی پیش می رفت و احساس می کردم حضرت تمام آنچه می خواسته بگوید بیان کرده است. اما نام زیبایی را شنیدم که دوست داشتم درباره او بیشتر بدانم، فرمود: هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب اهل آن آیات الهی را، خداوند قبل از روز قیامت آنان را هلاک خواهد کرد و آن را تحت حکومت امام مهدی(عج) در خواهد آورد.

فهمیدم که برای دوازدهمین امام پرونده خاصی مفتوح است. در همین فکر بودم که احساس کردم بخشی از سخنان پیامبر به مهدی موعود اختصاص یافته و رسماً درباره او بیاناتی دارد، آنجا که فرمود: «الَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَیْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِی؛ بدانید که آخرین امامان مهدی قائم از ماست».

سپس به اوصاف بلند او پرداخت و وی را آخرین حجت و نوالهی و منتخب خدا و ولی الله در زمین و امین پروردگار معرفی کرد که متصل به دریای علم الهی است و خداوند امور عالم را به او می سپارد و اوست که انبیای گذشته بشارت ظهورش را داده اند.

سپس پیامبر به جوانب فتح الفتوح مهدوی پرداخت حضرت غلبه او بر ادیان انتقامش از ظالمین و فتح قلعه های محکم به دست او

را مطرح فرمود و تصریح کرد که هیچکس بر او غالب نخواهد شد. در فراز دیگری از سخن پیامبر انحصار امامت در دوازده امام با تصریح به خاتمیت حضرت مهدی مطرح شد و ادامه امامت او تا قیام قیامت اعلام گردید.